

**اشاره:**

«انتظار» مفهومی اسلامی، و ارزشی است که سرچشمه‌ی حرکت و تلاش می‌باشد.

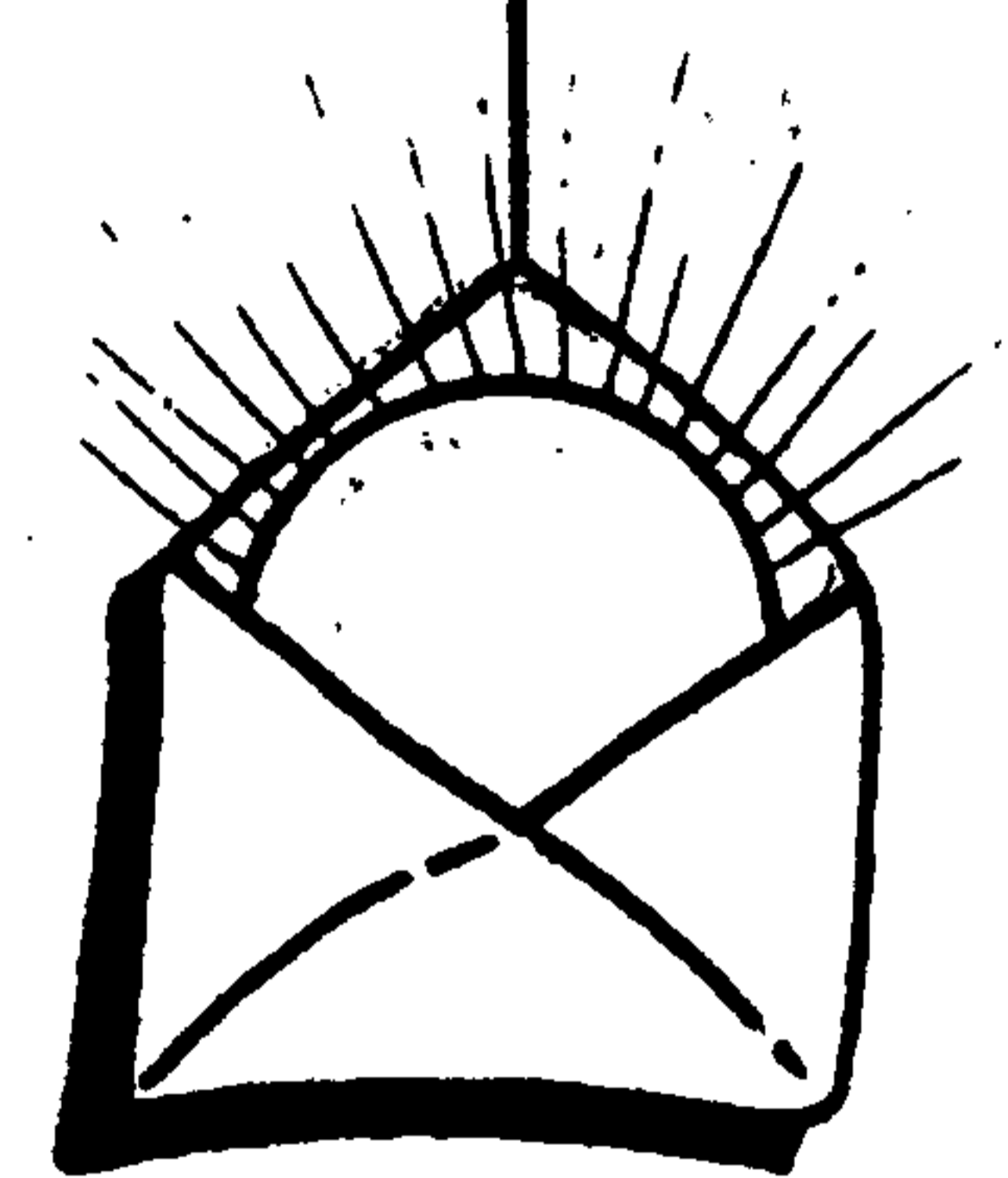
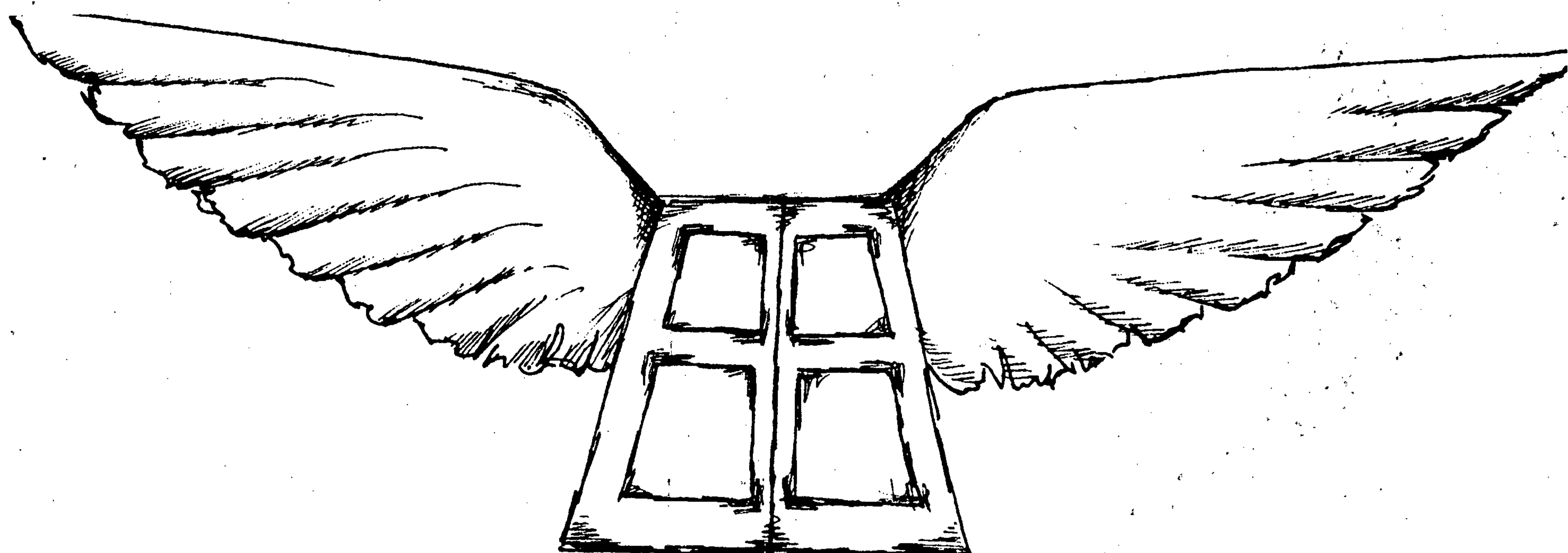
نوشتار حاضر، ضمن توجیه روانی انتظار و بیان دیدگاه مکاتب فکری غیر دنیوی، نگاهی به روایات فریقین در باب انتظار کرده و با بررسی انواع انتظار به طرح دیدگاه‌ها درباره‌ی علت تأخیر فرج پرداخته است.

# انتظار پویا (۱)

آیة‌الله محمد مهدی آصفی

ترجمه: تقی متقی





## توجیه روانی مسئله‌ی انتظار

«انتظار»، پیوند و قرابت برجسته‌ای با «حرکت» دارد. حرکت، از برآیندهای انتظار، و انتظار از جهت دهنده‌های حرکت است.

برخی، دوست دارند حالت انتظار را یک مسئله‌ی روانی ناشی از حرمان در اقشار محروم جامعه و تاریخ تفسیر کنند و حالت فرار- از واقعیت‌گران بار با مشقت‌ها- به سوی تصور آینده‌ای که محرومان در آن بتوانند تمام حقوق از دست رفته و سیادتشان را بازپس گیرند. این، نوعی خیال‌بافی یا نوعی گریز از دامن واقعیت به آغوش تخیل است.

## مناقشه در توجیه بالا

بی‌گمان، هنگامی که در پیشینه‌ی تاریخی مسأله، نظر کنیم و گستره‌ی وسیع نفوذ آن را در عقاید دینی معروف تاریخ انسان بنگریم، چنین توجیهی برای مسئله‌ی انتظار کاملاً غیرعلمی و بی‌پایه خواهد بود.



## انتظار در مکاتب فکری غیردینی

مسئله‌ی انتظار از محدوده‌ی دین فراتر رفته و مذاهب و رویکردهای غیردینی نظیر مارکسیسم را نیز شامل شده است. چنان که «برتراند راسل» می‌گوید:

«انتظار، تنها به ادیان تعلق ندارد، بلکه مکاتب و مذاهب نیز ظهور نجات‌بخشی که عدل را بگستراند و عدالت را تحقق بخشد، انتظار می‌کشند.»

انتظار نزد مارکسیست‌ها - چنان که راسل می‌گوید - درست همان انتظاری است که مسیحیان بدان اعتقاد دارند.

نیز انتظار نزد «تولستوی» در واقع به همان معنایی است که مسیحیان عقیده دازند، جز آن که این داستان‌نویس روسی از زاویه‌ای دیگر مسئله‌ی انتظار را مطرح کرده است.

## انتظار در ادیان پیش از اسلام

در عهد قدیم از کتاب مقدس، می‌خوانیم:

«از وجود اشرار و ظالمان دلتنگ مباش که به زودی ریشه‌ی ظالمان بریده خواهد شد، و منتظران عدل الهی زمین را به میراث برند و آنان که لعنت شده‌اند، پراکنده شوند، و صالحان از مردم همان کسانی هستند که زمین را به میراث برند و تا فرجام حیات جهان در آن زیست کنند.»<sup>۱</sup>

همین حقیقتی که در کتاب مقدس آمده، در قرآن کریم نیز تکرار شده است:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۲</sup>

«و بی‌گمان، در زبور، پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ی ما به ارث خواهند

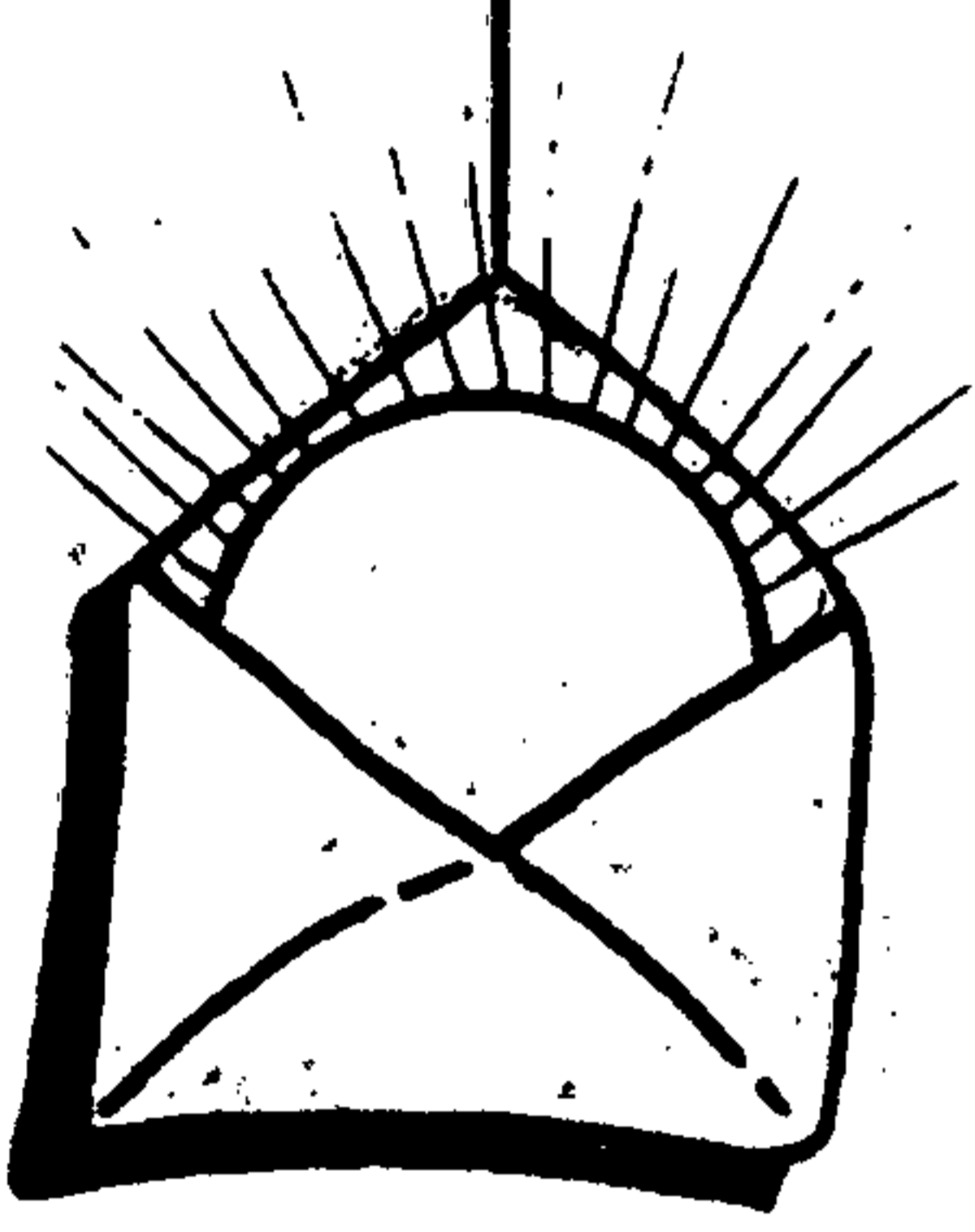
برد.»

## انتظار نزد مسلمانان (از اهل سنت)

انتظار «مهدی نجات‌بخش» (علیه السلام) اختصاص به شیعه ندارد، روایات متواتر بسیاری درباره‌ی مهدی (عج) از طرق اهل سنت با سندهای صحیح و مستفیض در دست است که نمی‌توان در آن‌ها تشکیک کرد، چنان که از طرق شیعه‌ی امامیه نیز چنین روایاتی رسیده است.

«عبدالرحمن بن خلدون» - از دانشمندان قرن نهم هجری - صاحب «مقدمه‌ی» مشهوری که بر کتاب «العبر»<sup>۳</sup> نوشته، می‌گوید:

«بدان که مشهور اهل اسلام در طول اعصار بر این عقیده‌اند که به ناچار در آخرالزمان مردی از اهل بیت ظهور خواهد کرد که دین را تأیید کند و عدالت را ظاهر سازد و مسلمانان از وی پیروی کنند. او بر ممالک



انتظار

۶۷

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱



اسلامی استیلا خواهد یافت و نام مقدّسش «مهدی (عج)» است. خروج دجال و حوادث دیگر پس از آن. و این که «عیسی (علیه السلام)» در پی او خواهد آمد و دجال را خواهد کشت یا با او خواهد آمد و در کشتن دجال یاور وی خواهد بود و در نمازش به مهدی (علیه السلام) اقتدا خواهد کرد از نشانه‌های ثابت ظهور است که در منابع روایی صحیح ذکر شده است.<sup>۴</sup>

شیخ عبدالمحسن العباد - مدرّس دانشگاه اسلامی مدینه‌ی منوره - در بحثی ارزشمند می‌گوید:

«در پی حادثه‌ی دردناک حرم، سؤال‌هایی مطرح شد. برخی دانشمندان در رادیو و روزنامه‌ها درستی بسیاری از سخنان رسیده از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را در باره‌ی حضرت مهدی (علیه السلام) تأیید کردند. مانند شیخ عبدالعزیز بن صالح - امام و خطیب مسجد نبوی -، شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز - رئیس اداره‌ی پژوهش‌های علمی و دعوت و ارشاد - نیز در یکی از روزنامه‌ها حادثه‌ی حرم را با استناد به احادیث صحیح مستفیض از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به اثبات رسانید.»

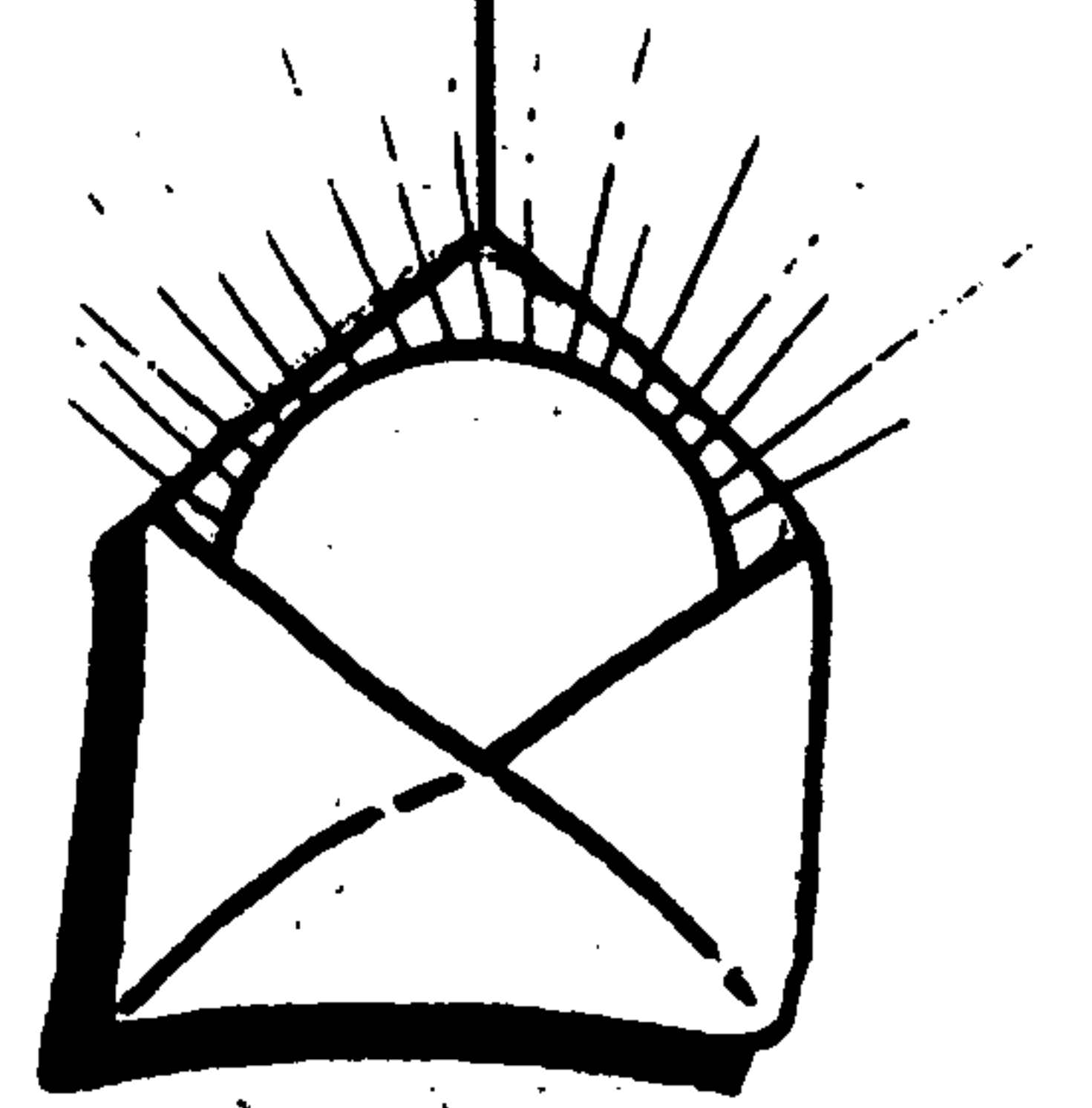
شیخ عبدالمحسن العباد می‌افزاید:

«من این رساله را به منظور تبیین سخن خروج مهدی آخرالزمان - که روایات صحیحی بر آن دلالت دارد و دانشمندان اهل سنت از قدیم و جدید، مگر ندرتاً، بر آن بوده‌اند - به رشته‌ی تحریر در آورده‌ام.»<sup>۵</sup>

ابن حجر هیتمی در «الصواعق المحرقة» در تفسیر سخن خداوند تعالی: «وَ اِنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلسَّاعَةِ

فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا...» می‌نویسد:

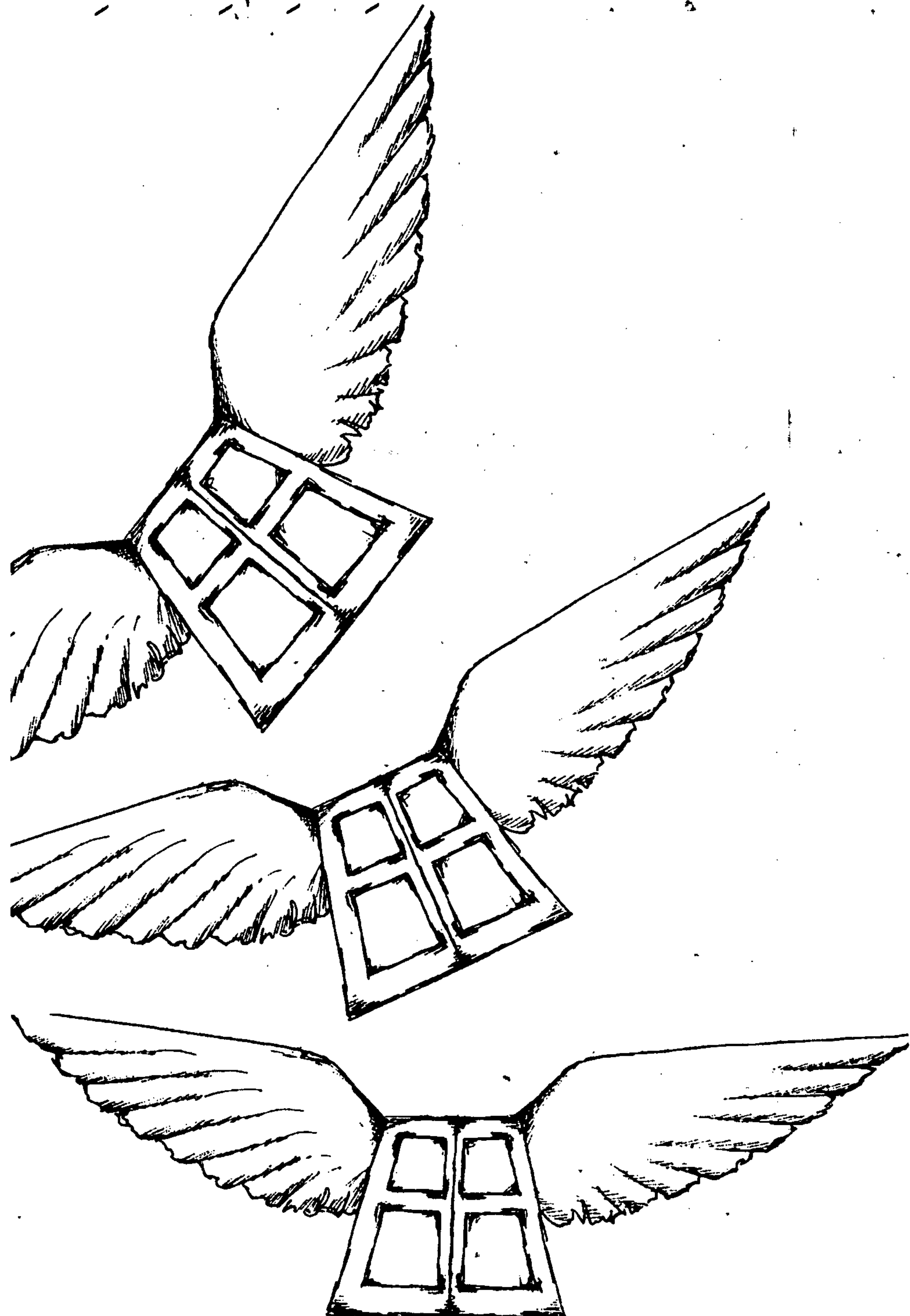
«مقاتل و پیروان وی از مفسران، گفته‌اند: این آیه درباره‌ی حضرت مهدی (علیه السلام) نازل شده است. و احادیثی که تصریح به این نکته دارند که وی از اهل بیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است، خواهد آمد، بنابراین در آن دلالتی است بر برکت در نسل فاطمه و علی - رضی الله عنهما - و این که از آنان فرزندان پاکیزه‌ی فراوانی ظهور خواهد کرد و خداوند نسل آنان را مفاتیح حکمت و معادن رحمت قرار داده است. راز این نکته این است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برای علی و فاطمه و فرزندان او دعا کرد تا از شر شیطان رانده



انظر

۹۸

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱





شده محفوظ مانند.»<sup>۷</sup>

«شیخ ناصرالدین البانی»، از شیوخ معاصر حدیث، در مجله‌ی «التمدن الاسلامی» می‌نویسد:  
«اما مسأله‌ی مهدی (علیه‌السلام). باید دانست که درباره‌ی خروج (قیام) وی احادیث صحیح فراوانی نقل شده است. بخش وسیعی از آن‌ها دارای اسانید تأیید شده‌ای هستند که نمونه‌هایی از آن‌ها را در اینجا نقل می‌کنیم.»<sup>۸</sup>

سپس دسته‌ای از این احادیث را متذکر می‌شود.

### احادیث انتظار نزد شیعه‌ی امامیه

اما احادیث انتظار امام مهدی (عج) نزد شیعه‌ی امامیه، فراوان است و متواتر که دسته‌ای از آن‌ها از طرق صحیح به ما رسیده است.

برخی دانشمندان این احادیث را به شیوه‌ای علمی و ارزشمند گردآوری کرده‌اند، همانند «شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی» در کتاب گران سنگش «منتخب الاثر»، همچنین «شیخ علی کورانی» در «موسوعة الامام المهدی»<sup>۹</sup> و دیگران.

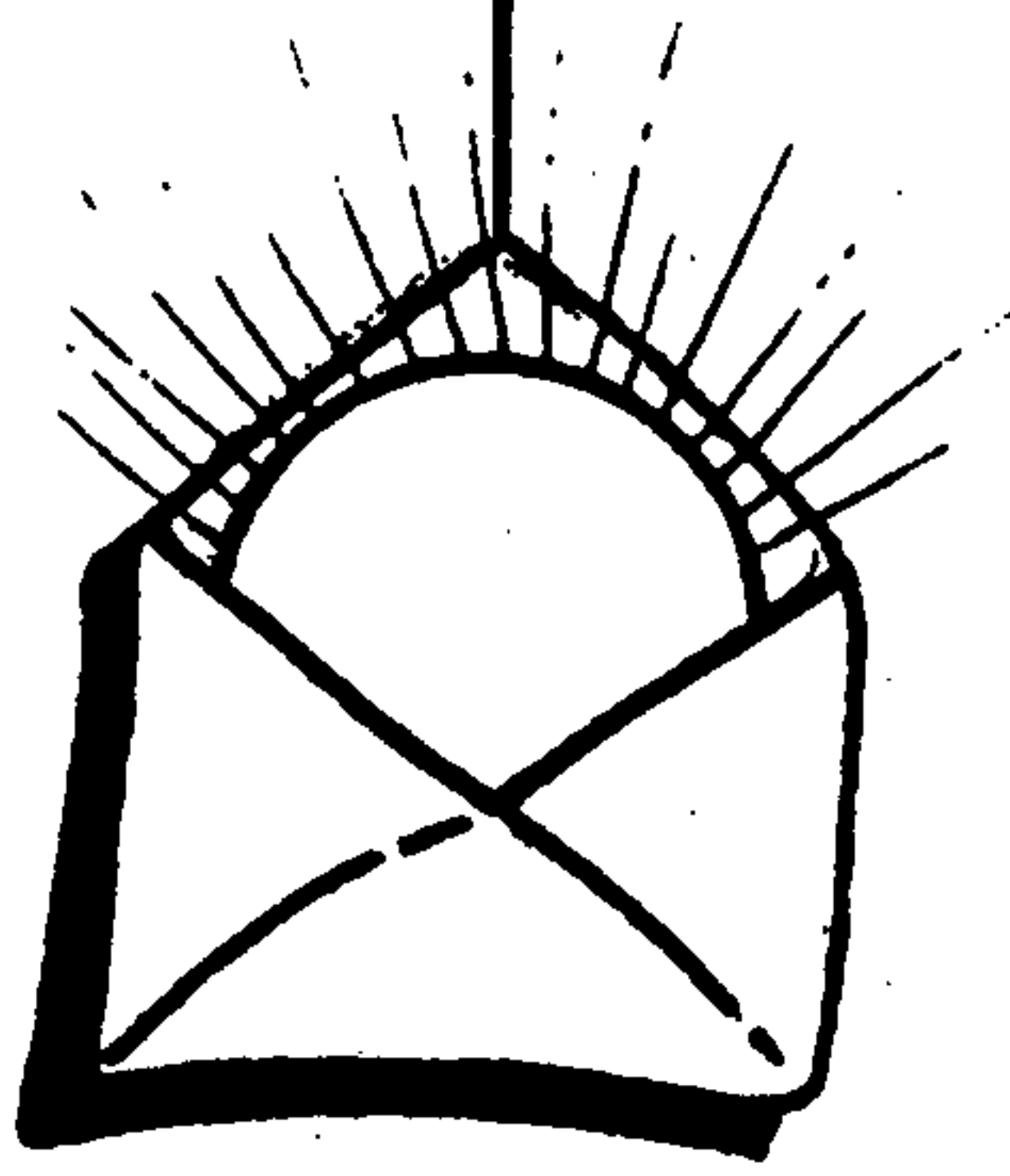
ما هم اکنون در صدد نقل این روایات از طریق تشیع یا تسنن نیستیم. موضوع این پژوهش نیز در مورد احادیث وارد در موضوع امام مهدی (عج) و مناقشه در آن‌ها از حیث سند و دلالت نیست، بلکه در این تحقیق مسأله‌ی دیگری را می‌جوئیم. مسأله‌ی احادیث وارد در مورد امام مهدی (علیه‌السلام) را به مجال مخصوصش در کتاب‌های حدیثی وامی‌گذاریم.  
اما مسأله‌ای را که هم اکنون - به خواست خدا - از آن سخن خواهیم گفت، این بحث است:

### انتظار چیست و ارزش فرهنگی آن کدام است؟

انتظار، مفهومی اسلامی، و ارزشی فرهنگی است که از آن، رفتار فرهنگی معینی سرچشمه می‌شود. گاه مردم از انتظار برداشت منفی می‌کنند که در این صورت، انتظار به مفهومی برای تخدیر و مانعی برای حرکت تبدیل می‌شود، و گاه نیز از آن برداشت مثبت دارند که در این صورت عاملی از عوامل حرکت و قیام و انگیزش در زندگی مردم خواهد بود.

بنابراین ناچاریم که از مسأله‌ی انتظار تصور شفاف و دقیقی داشته باشیم، و همین نکته وظیفه‌ی اساسی ما در این پژوهش [تاریخی] است.

انتظار، یک فرهنگ و مفهومی فرهنگی است که در ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه‌ی



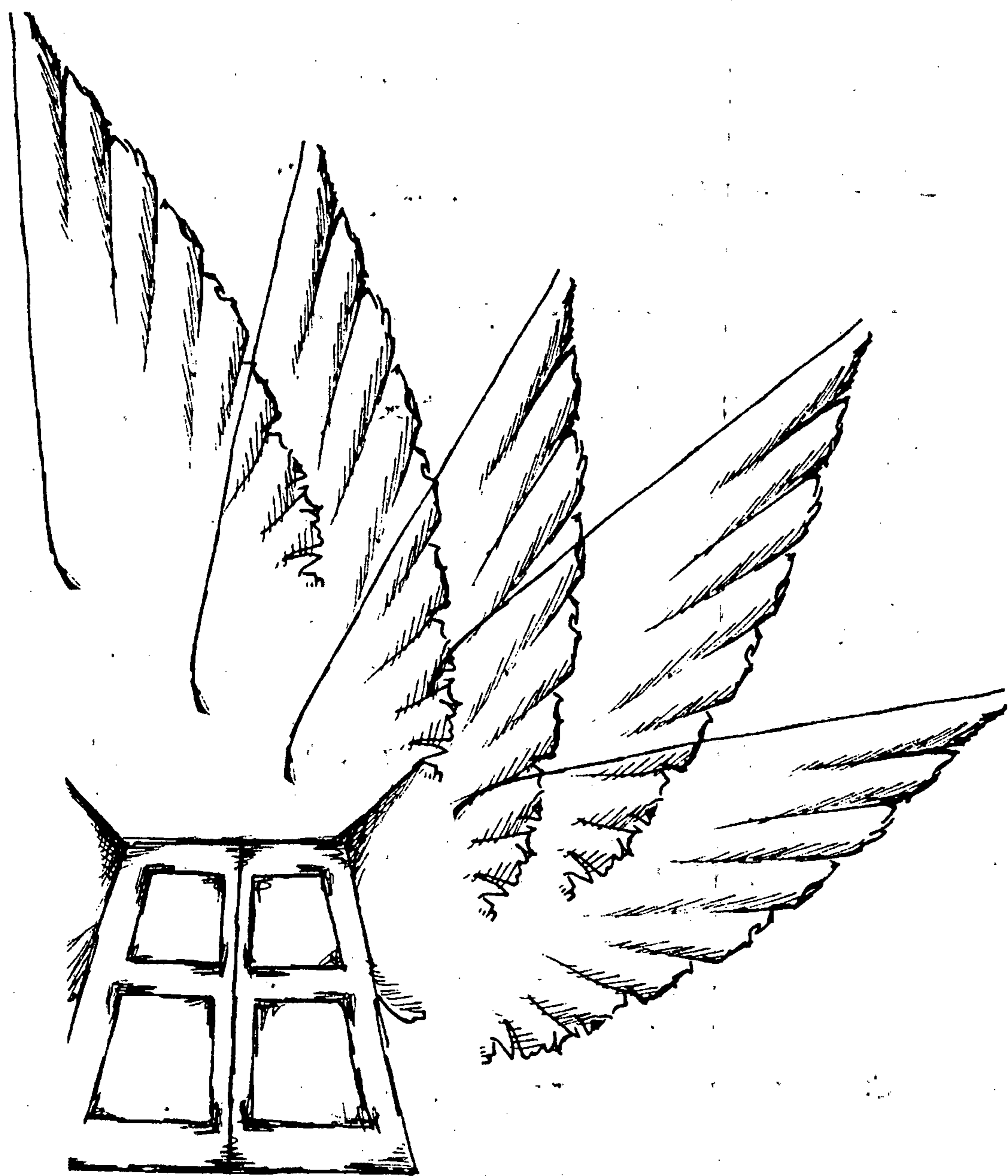
انتظار

۹۹

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

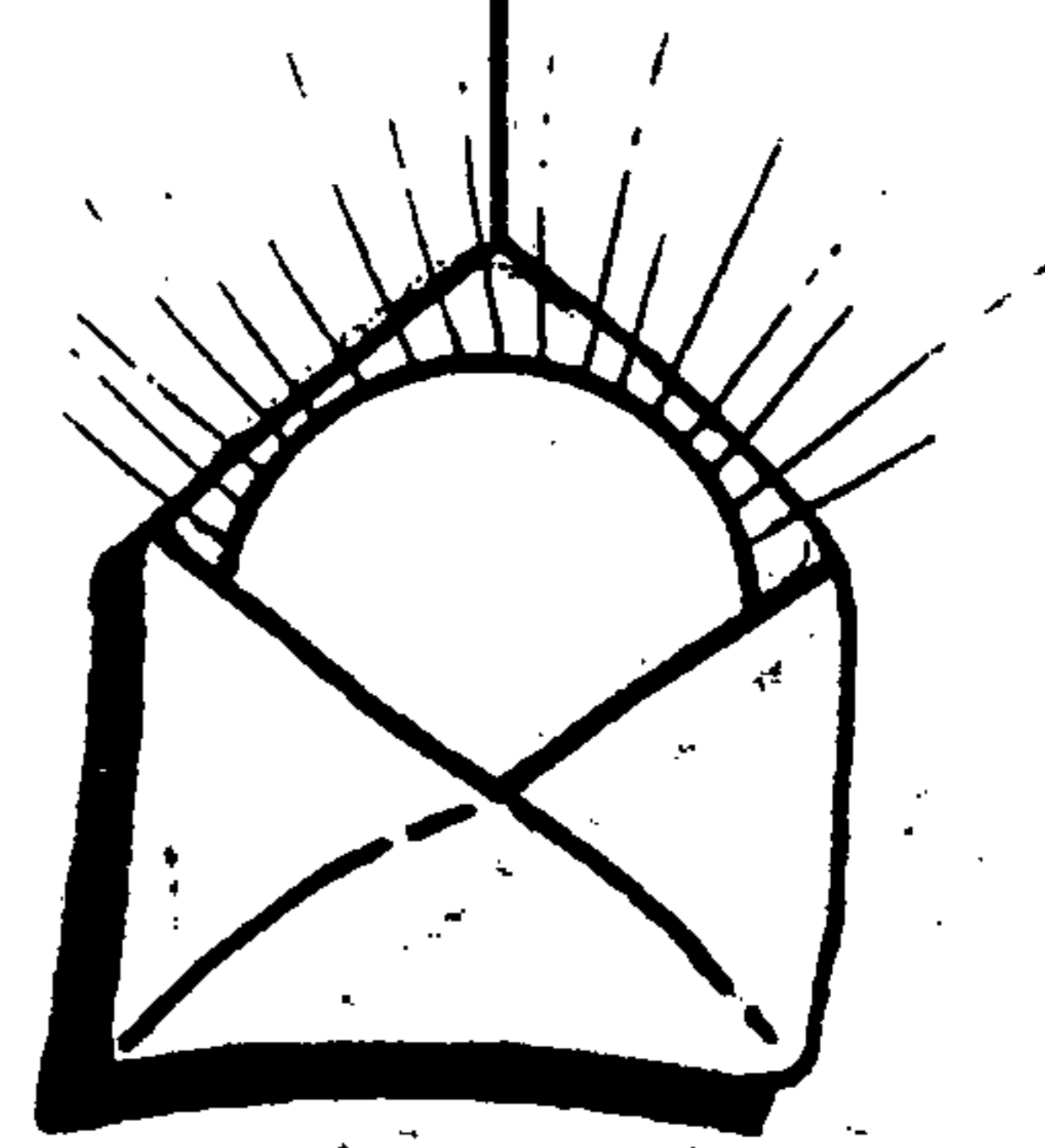


زندگی و چگونگی نگرش ما به آینده به شکل فعال و مؤثری دخالت داشته و در ترسیم خط سیاسی ای که برای حال و آیندهی خود رقم می‌زنیم، تأثیرگذار است. قریب به هزار و صد سال است که انتظار در زندگی ما ریشه فرهنگی خود را گسترده است؛ زیرا غیبت صغری در سال ۳۲۹ هـ. به پایان رسید و از آن تاریخ تقریباً هزار و صد سال گذشته است. در طول این مدت، مسأله‌ی انتظار به گونه‌ی مؤثری در ساختار



اندیشه‌ی سیاسی و انقلابی ما دخالت داشته است. اگر بدون عامل انتظار به تاریخ سیاسی و انقلابی خود بنگریم، این تاریخ بلند، جایگاه دیگری خواهد داشت.

اگر کسی در «دعای ندبه» تأمل کند - دعایی که مؤمنان پیوسته در روزهای جمعه قرائت می‌کنند - به عمق مسأله‌ی انتظار و به میزان نفوذ آن در روح مؤمنان و اندیشه و روش فکری و انقلابی آنان پی خواهد برد.



انتظار

۱۰۰

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

## انواع انتظار

انتظار نجات بر دو گونه است:

### نوع اول

انتظار نجاتی که در توان انسان نیست آن را جلو یا عقب بیندازد؛ همانند انتظاری که شخص غریق در رسیدن گروه نجات مستقر در ساحل به سوی خود دارد؛ حال آن که وی آنان را نمی‌نگرد که برای نجات او به راه افتاده‌اند. بی‌گمان، غریق را یارای آن نیست که زمان رسیدن گروه نجات را به خود نزدیک‌تر کند.



البته این انتظار، امید به نجات را در درون او تقویت کرده و نور امید را بر تیرگی های یأس و نومیدی که از هر سو احاطه اش کرده اند، خواهد تابانید.

## نوع دوم

نوع دوم، انتظاری است که انسان می تواند آن را نزدیک گرداند و طلب کند؛ مانند بهبودی از بیماری، اجرای طرحی عمرانی یا علمی یا تجاری یا پیروزی بر دشمن ورهائی از فقر. همه این ها ریشه در انتظار دارند و امر سرعت بخشیدن یا تأخیر انداختن آن ها به دست خود انسان است.

بنابراین، این امکان برای انسان وجود دارد که در به دست آوردن بهبودی و شفا تعجیل کند یا آن را به تعویق اندازد یا حتی منتفی گرداند. چنان که امکان آن هست در اجرای پروژه ای تجاری یا عمرانی یا علمی عجله کند یا اجرای آن را به وقتی دیگر موکول کند یا اصلاً رها سازد. همچنین این امکان برای وی هست که به سوی پیروزی بر دشمن و بی نیازی مالی بشتابد یا سستی ورزد و تأخیر کند یا از خیرشان بگذرد.

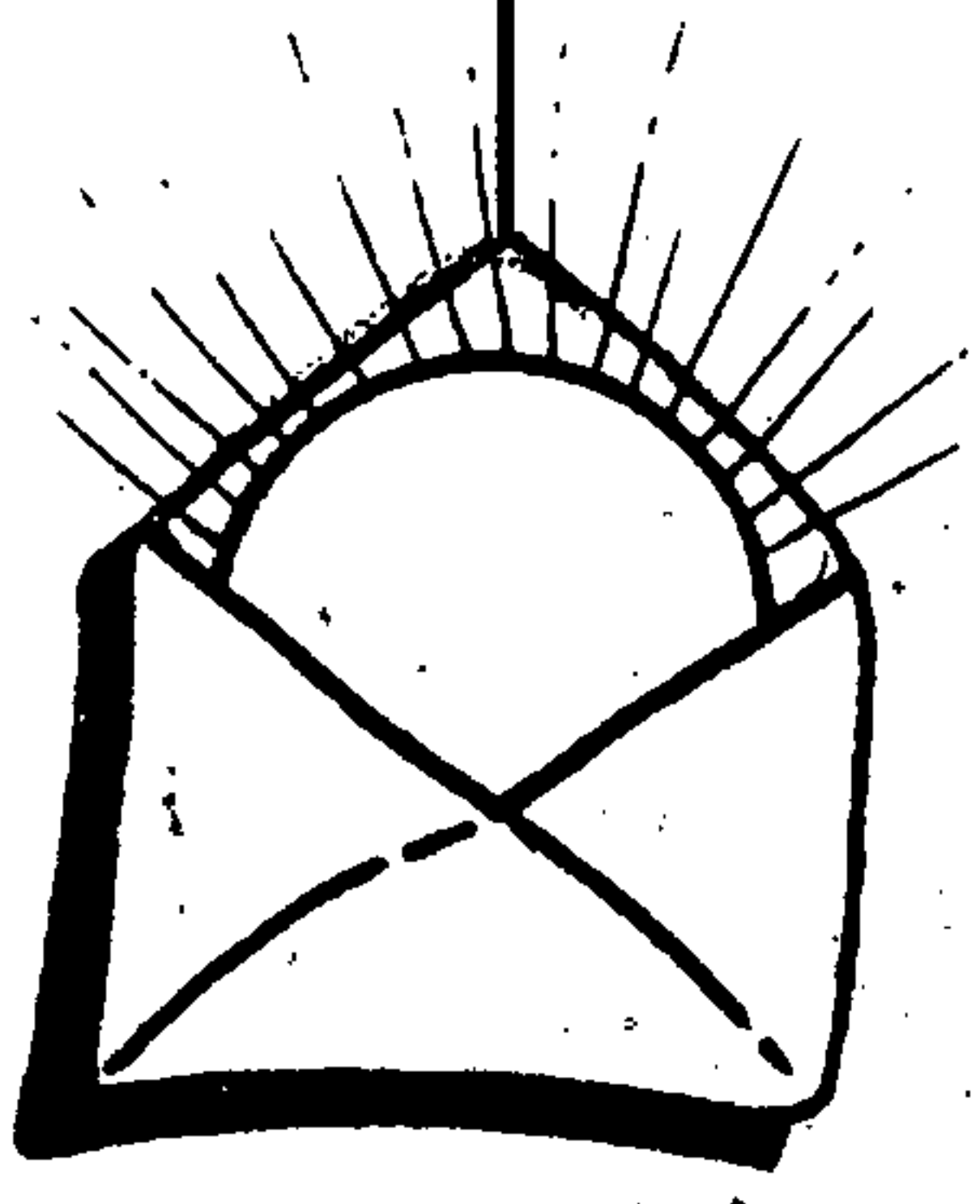
با این بیان، انتظار از نوع دوم با انتظار از نوع اولی که از آن سخن گفتیم تفاوت خواهد داشت و در محدوده ی قدرت و اختیار انسان هست که در تحقق آنچه که انتظارش را می کشد، شتاب ورزد یا درنگ و سستی روا دارد یا عطایش را به لقایش ببخشد.

از این رو، انتظار از نوع دوم، علاوه بر «امید» و «مقاومت»، به انسان «حرکت» نیز می بخشد، و حرکت، مخصوص انتظار است. بی گمان اگر انسان بداند که نجات ورهائی اش به حرکت، عمل و تلاشش وابسته است، چنان حرکت و تلاشی برای رهائی و نجات خویش به خرج می دهد که در گذشته توان انجام آن را نداشته است.

بنابراین اگر انتظار از نوع اول به انسان، تنها «امید» و «مقاومت» می بخشد، انتظار از نوع دوم به وی علاوه بر «امید» و «مقاومت»، «حرکت» و پویایی نیز خواهد بخشید:

۱. امید در جان انسان این قدرت را به وی می دهد تا پرده ی حال را بدرد و آینده را ببیند، و چه قدر فاصله است میان کسی که «خدا»، «هستی» و «انسان» را از خلال درد ورنج حاضر می بیند و میان کسی که همه ی این سه را از خلال حال و گذشته و آینده می نگرد. تردیدی نیست که دیدگاه دوم با دیدگاه اول متفاوت است و بی گمان تیرگی، ظلمت و ابهام و اشکالی که دیدگاه نخست را احاطه کرده، دیدگاه دوم از آن ها در امان است.

۲. امید در جان انسان، او را در ادامه ی پایداری و مقاومت در مقابل سقوط و اضمحلال تا



انتظار

۱۰۱

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱



رسیدن نیروهای کمکی توانمند می‌سازد، و مادام که چراغ امید به رسیدن کمک در دل و جان انسان ندرخشد، مقاومتی نخواهد داشت.

۳. بالاخره امید در جان انسان او را در نیل به نجات ورهایی و نیرومندی و توانگری قادر خواهد ساخت. چنین انتظاری، همان «انتظار پویا» و برترین نوع انتظاری است که در این پژوهش مادر پی‌انیم.

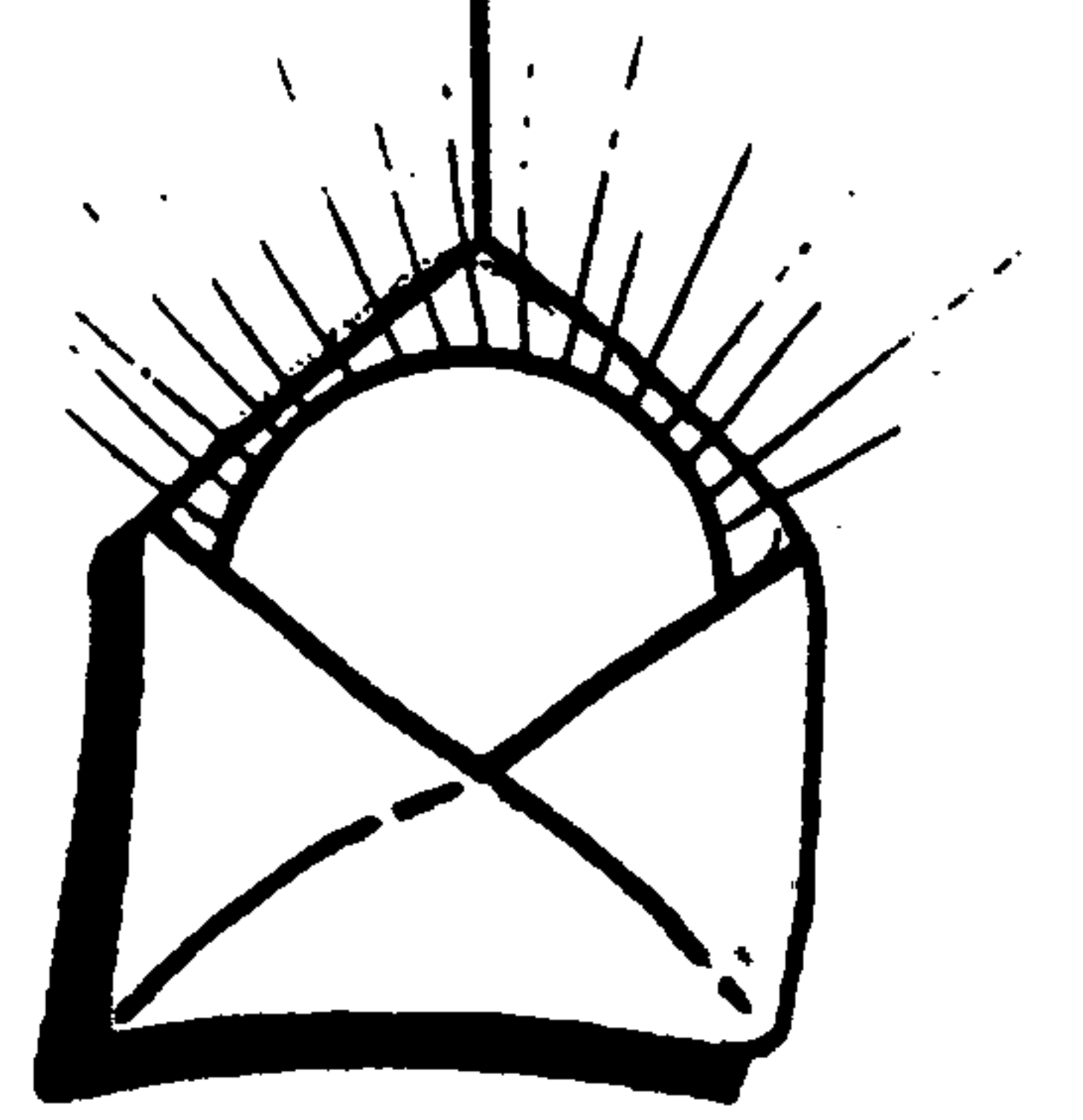
## سیستم تغییر

این انتظار، شبیه انتظار مردم از خداست که کارهایشان را از بد به خوب، از نیازمندی به بی‌نیازی، از ناتوانی به توانایی و از شکست به پیروزی تغییر دهد. شکی نیست که چنین انتظاری، انتظار درست و عقلانی است؛ زیرا انسان، توده‌ای است از ضعف و عجز و فقر و نادانی و زشتی، و از خدای تعالی انتظار می‌رود که همه‌ی این‌ها را تغییر داده و به نیرو و توان و بی‌نیازی و دانایی و خوبی تبدیل کند. ایرادی نیست که انسان از خدا چنین توقع و انتظاری داشته باشد، لیکن به شرط آن که برای تحقق این انتظار، سیستم معقولی را که خدای تعالی برای چنین تغییری در نظر گرفته، در پیش گیرد.

بی‌گمان هیچ تردیدی در چنین تغییری از سوی خدای تعالی نیست، لیکن در ضمن سیستمی مشخص، و مادام که انسان چنین سیستمی را به کار نگیرد، درست نیست که توقع و انتظار تغییر از جانب خدا را داشته باشد. این سیستم آن است که انسان ابتدا در خودش تغییر ایجاد کند تا خدای تعالی شرایط را به نفع او تغییر دهد.

بی‌شک عقب‌ماندگی اقتصادی و علمی، شکست نظامی و سوء مدیریت و... از اشکال و ضعف و سستی و نومیدی و جهل نهفته در وجودمان و فقدان جسارت و شجاعت ریشه می‌گیرد. پس اگر مادر خودمان تغییر ایجاد کنیم، خدا نیز شرایط را به نفع ما تغییر خواهد داد.

چنان که اگر ما حال خود را تغییر ندهیم خدا نیز شرایط را به نفع ما دگرگون نخواهد ساخت؛ مگر آن که خود بخواهد. در این دو حقیقت هیچ شک و مناقشه‌ای نیست. انتظار تغییر از سوی خدای تعالی حقیقتی است قطعی، ولیکن در صورتی که این انتظار با حرکت و عمل انسان همراه گردد، و به تعبیر دیگر، این همان انتظار انقلابی است.



انتظار

۱۰۲



## انتظار، «حرکت» است، نه «مترصد» بودن

خطاست که از واژه‌ی انتظار مترصد بودن منفی حوادث را بفهمیم، بی آن که خود نقش منفی یا مثبتی در این حوادث داشته باشیم؛ چنان که مترصد خسوف ماه یا کسوف خورشید می‌مانیم. بنابراین، تفسیر صحیح واژه‌ی انتظار آن است که، انتظار، «حرکت»، «کار»، «تلاش» و «عمل» است. به خواست خدا در آینده با تفصیل بیشتری این بحث را پی خواهیم گرفت.

### علت تأخیر در «فرج» چیست؟

فهم درست معنای انتظار که آیا به معنی مترصد بودن است یا حرکت، به جواب درست این سؤال وابسته است. در این جا دو دیدگاه مطرح است:

#### دیدگاه نخست

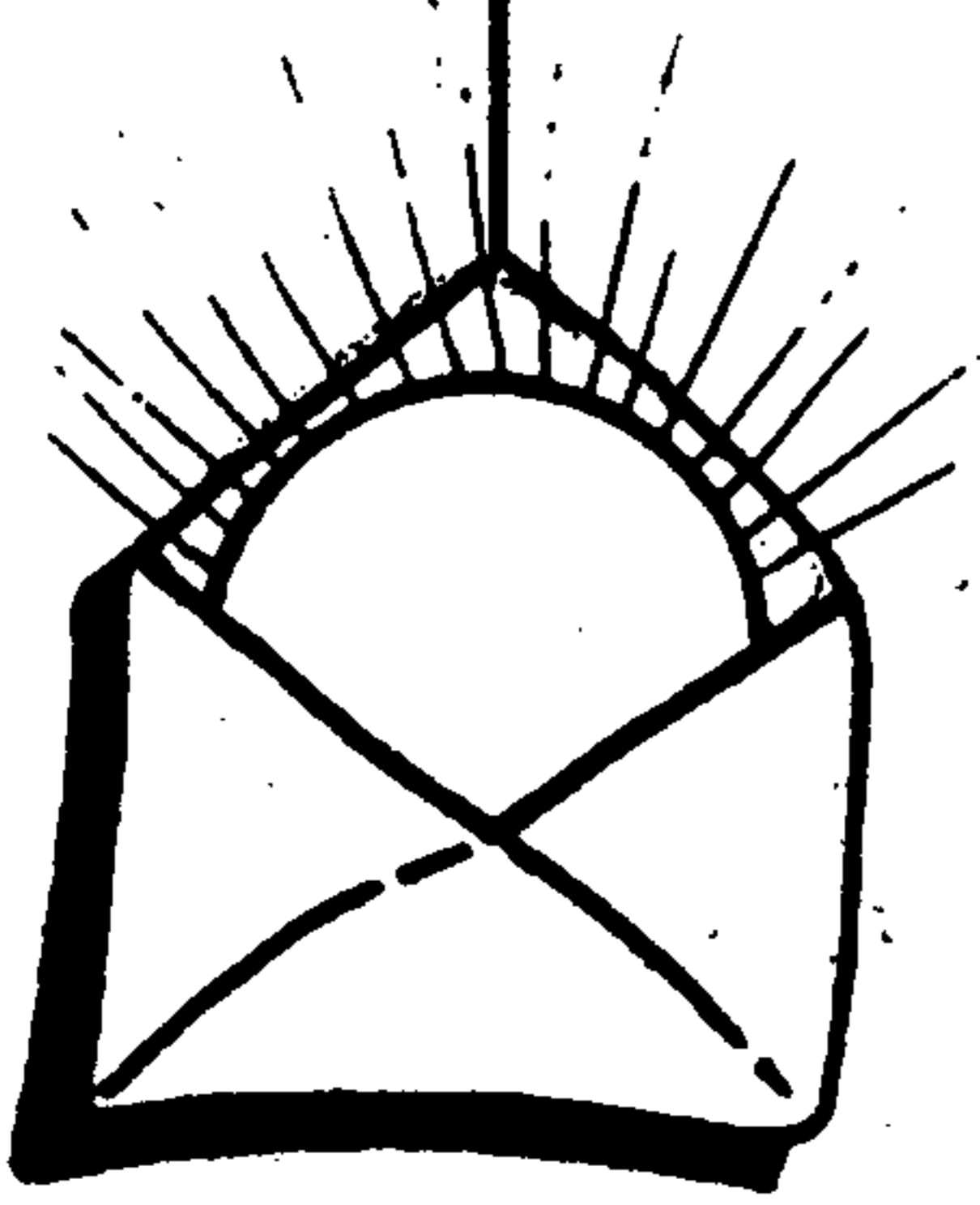
اگر سبب تأخیر در فرج و ظهور امام عصر (عج) و انقلاب جهانی فراگیر او را این بدانیم که زمین تا از ظلم و جور پر نشده است، آن حضرت ظهور نخواهد کرد، به ناچار «انتظار» می‌باید به معنی «مترصد بودن» باشد. از طرفی به بداهت اسلام [می‌دانیم که] دامن زدن به ظلم و جور و گسترش بیشتر دامنه‌ی آن جایز نخواهد بود.

[از طرف دیگر] درست نیست که به مقابله با ظلم برخیزیم؛ زیرا چنین مقابله‌ای دوره‌ی غیبت را طولانی‌تر می‌سازد. پس به ناچار باید منتظر بمانیم تا ظلم و جور دز زندگی سیاسی، اقتصادی، نظامی و قضایی ما به حد کمال برسد چنان که کره‌ی زمین از ظلمت ظلم پر شود تا امام (علیه السلام) ظهور کند و انقلاب خود را علیه ظالمان و دز حمایت مظلومان علنی سازد.

#### دیدگاه دوم

اگر سبب تأخیر در فرج، عدم وجود یارانی باشد که جامعه و [در گستره‌ی وسیع‌تر] دنیا را برای ظهور امام و قیام فراگیر وی آماده سازند و پشتیبان و تکیه‌گاه انقلاب امام تلقی شوند، مسأله فرق می‌کند.

از این رو چاره‌ای جز اقدام و تجهیز و آمادگی و امر به معروف و نهی از منکر به منظور برپایی اقتدار حق بر زمین و حصول فرج به سبب ظهور امام (عج) نیست. در نتیجه، انتظار به معنای «مترصد» بودن نخواهد بود. بلکه به معنای حرکت، اقدام و جهاد برای برپایی اقتدار حق بر زمین است؛ یعنی، مفهومی که مهیاسازی زمین برای ظهور امام و قیام جهانی او را طلب می‌کند.



انتظار

۱۰۳

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

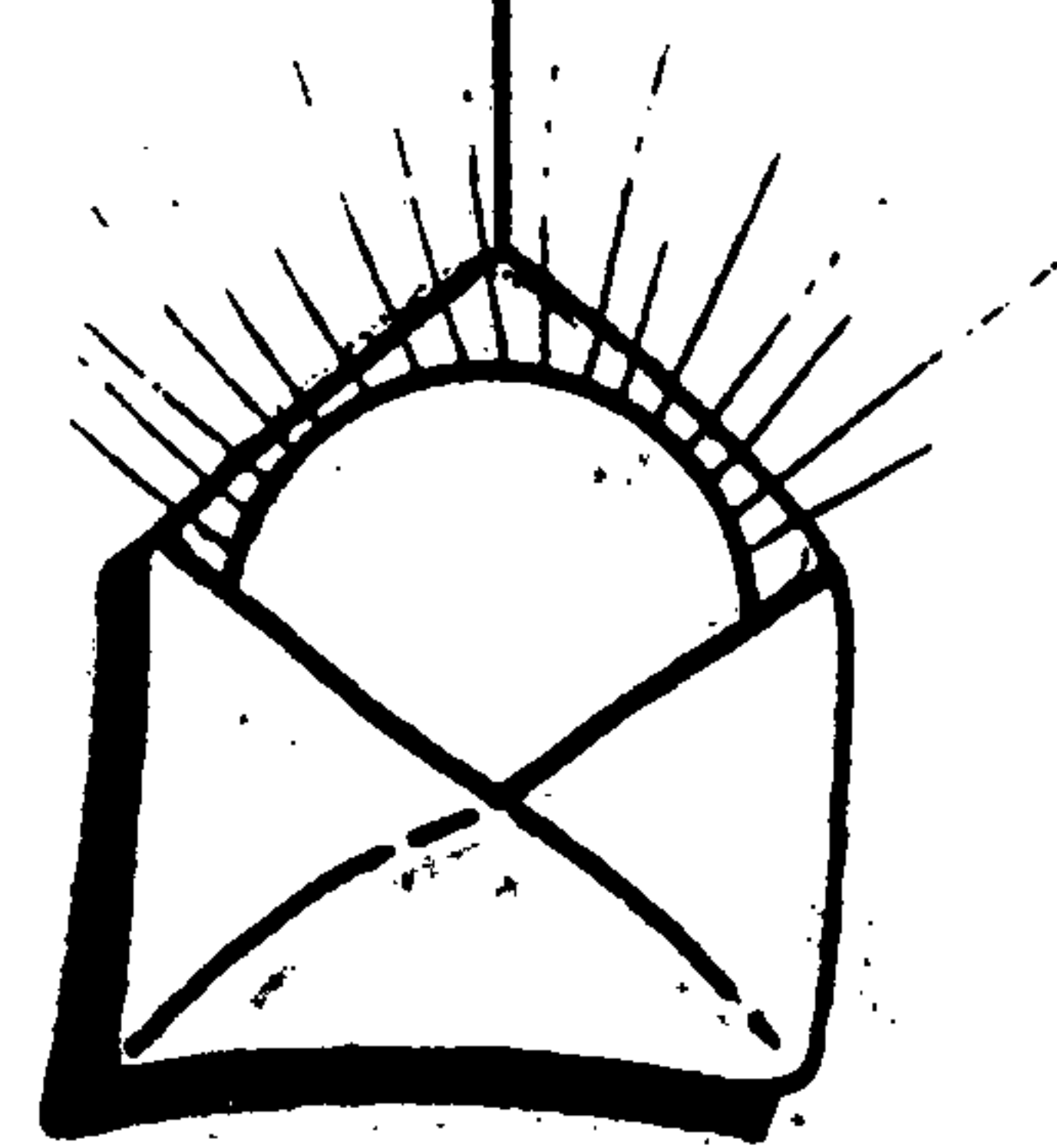


بنابر چنین برداشتی از ظهور امام (علیه السلام) و ظهور فرج به دست وی، معنای انتظار نیز از جهت مثبت و منفی، میان «مترصد بودن» و «حرکت» در نوسان خواهد بود. هم اکنون برای رسیدن به جواب صحیح، به بررسی این مسأله خواهیم پرداخت:

## نقد نظریه ی نخست

۱. «پرشدن زمین از ظلم و جور» به معنای خشکیدن چشمه ی توحید و عدل در زمین نیست؛ چنان که مکانی برای پرستش خدا توسط مردم باقی نماند! چنین چیزی محال و خلاف سنت های الهی است. بلکه معنای این کلمه طغیان و سرکشی قدرت باطل بر ضد حق در نبرد دایمی میان حق و باطل است.

۲. امکان ندارد ظلم و طغیان قدرت باطل بر ضد حق بیشتر از آن چیزی باشد که هم اکنون هست. امروزه ظلم به بدترین وجهی سراسر زمین را فرا گرفته است. آنچه در منطقه ی بالکان توسط صرب ها بر ضد مسلمانان بوسنی و هرزگوین گذشت در تاریخ ظلم و ارباب کم تر نظیر داشته است. صرب ها بارها شکم زنان آبستن را پاره کردند و جنین ها را بیرون کشیدند. کودکان را به قتل رساندند و سر بریدند و با سرهای بریده پیش چشم پدران و مادرانشان توپ بازی کردند.



انتظار

۱۰۴

در «چچن» کودکان را سر بریدند و گوشت تنشان را طعمه ی خوکان ساختند. ستمی که کمونیست ها در دوره ی حکومت کمونیستی بر مسلمانان آسیای میانه روا داشته اند، چنان است که لرزه بر اندام انسان می اندازد. شکنجه های وحشیانه ای که بر مسلمانان زندانی در زندان های اسرائیل اعمال می شود، از محدوده ی بیان بیرون است. برتر و بالاتر از همه ی این ها، ظلم و تصفیه و نابودی و شکنجه و زندانی است که در عراق بر مؤمنان به دست پلیس بعثی صدامی در جریان بوده و هست که هیچ تعبیری از توصیف آن بر نمی آید...

آنچه در گوشه گوشه ی دنیای اسلام بر مسلمانان - تقریباً در تمام مناطق - می رود؛ بسیار وحشتناک و فراتر از ظلم و ستم و «پرشدن زمین از ظلم و جور» است، ولی کمتر دیده شده که افکار عمومی جهان نسبت به این ظلم و وحشتناک اعتراضی داشته باشند. این بی تفاوتی از همه بدتر و زشت تر و نشانه ی انحطاط وجدان اخلاقی در جامعه ی جهانی و فرهنگ مادی بشر معاصر است.

انحطاط وجدان اخلاقی، نمود خطری است در تاریخ انسان که پیوسته سقوط فرهنگی را



در پی خواهد داشت و قرآن از آن به «هلاک امت‌ها» تعبیر می‌کند.

«وجدان» نیاز اصلی و اساسی انسان است. همان گونه که انسان بدون «امثیت»، وبدون «بهداشت و درمان» وبدون «غذا» و «نظام سیاسی» و «علم [وفن آوری]» قادر به ادامه‌ی زندگی نیست به همان سان بدون وجدان، قادر به ادامه‌ی حیات نیست، و هرگاه سرچشمه‌های وجدان بخشکد، سقوط فرهنگی نتیجه‌ی طبیعی این حالت خواهد بود. [وبه تعبیر قرآن] پس از سقوط نیز قانون «استبدال»، «تبدیل» و «ارث» بر زندگی بشر حاکم خواهد بود، و این، همان حالت قیام جهانی امام عصر (علیه السلام) و برپایی دولت جهانی و فراگیر اوست.

۳. غیبت امام (علیه السلام) به سبب طغیان شر و ظلم و فساد بوده است و اگر چنین نبود، امام (علیه السلام) غایب نمی‌شد، بنابراین، چگونه طغیان ظلم و فساد سبب ظهور امام (علیه السلام) و خروج او از پرده‌ی غیبت خواهد بود؟!

۴. برخلاف نظر برخی، گرایش دنیای امروز به سمت سقوط نظام‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی ستمگر است. همه‌ی ما چگونگی سقوط اتحاد شوروی را در ظرف چند ماه شاهد بوده‌ایم. مثل چنین کشورهایی مثل بنایی تو خالی است که از داخل پوسیده شده و کسی قادر به نگهداری آن از سقوط نیست.

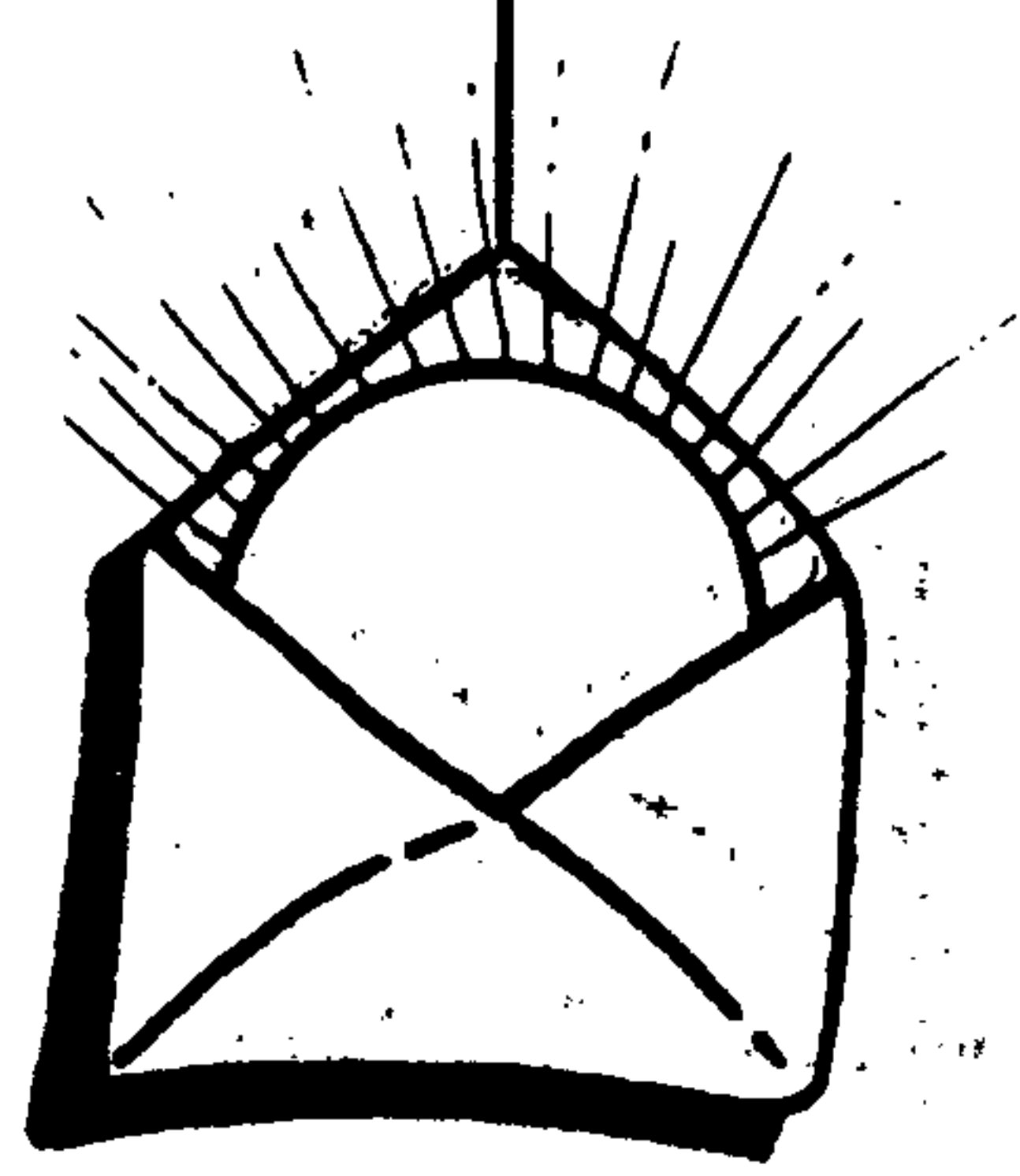
طوفان تغییر هم اکنون در امریکا - یعنی ابر قدرت دنیا - وزیدن گرفته و این کشور را در بُعد اقتصادی، امنیتی، اخلاقی و مقبولیت دچار زلزله‌های سخت و درهم کوبنده‌ای کرده است.<sup>۱۰</sup> نظام جاهلی امروز، شمارش معکوس سقوط و فروپاشی خود را شروع کرده است؛ بنابراین از چنین نظامی چگونه انتظار قدرت و جنگ و وحشیگری بیشتری داشته باشیم؟!

۵. به علاوه، آنچه در نصوص غیبت دیده می‌شود این است که:

«امام عصر (علیه السلام) زمین را از عدل و داد پر می‌کند، چنان که از ظلم و جور پر شده است.<sup>۱۱</sup> نه بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد.»<sup>۱۲</sup>

معنای آن، این نیست که امام (علیه السلام) منتظر بماند تا ظلم و فساد بیشتر از آن چیزی که هم اکنون هست، بشود. بلکه معنای روایت این است که امام (علیه السلام) هنگامی که ظهور می‌کند، زمین را از عدل و داد پر می‌سازد و با ظلم و فساد در جامعه مبارزه می‌کند، تا جایی که جامعه‌ی بشری از ظلم و فساد پاک شود؛ چنان که در گذشته از ظلم و فساد پر بوده است.

اعمش از ابی وائل روایت کرده که امیر مؤمنان (علیه السلام) درباره‌ی حضرت مهدی (عج) فرموده است:



انتظار

۱۰۵

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱



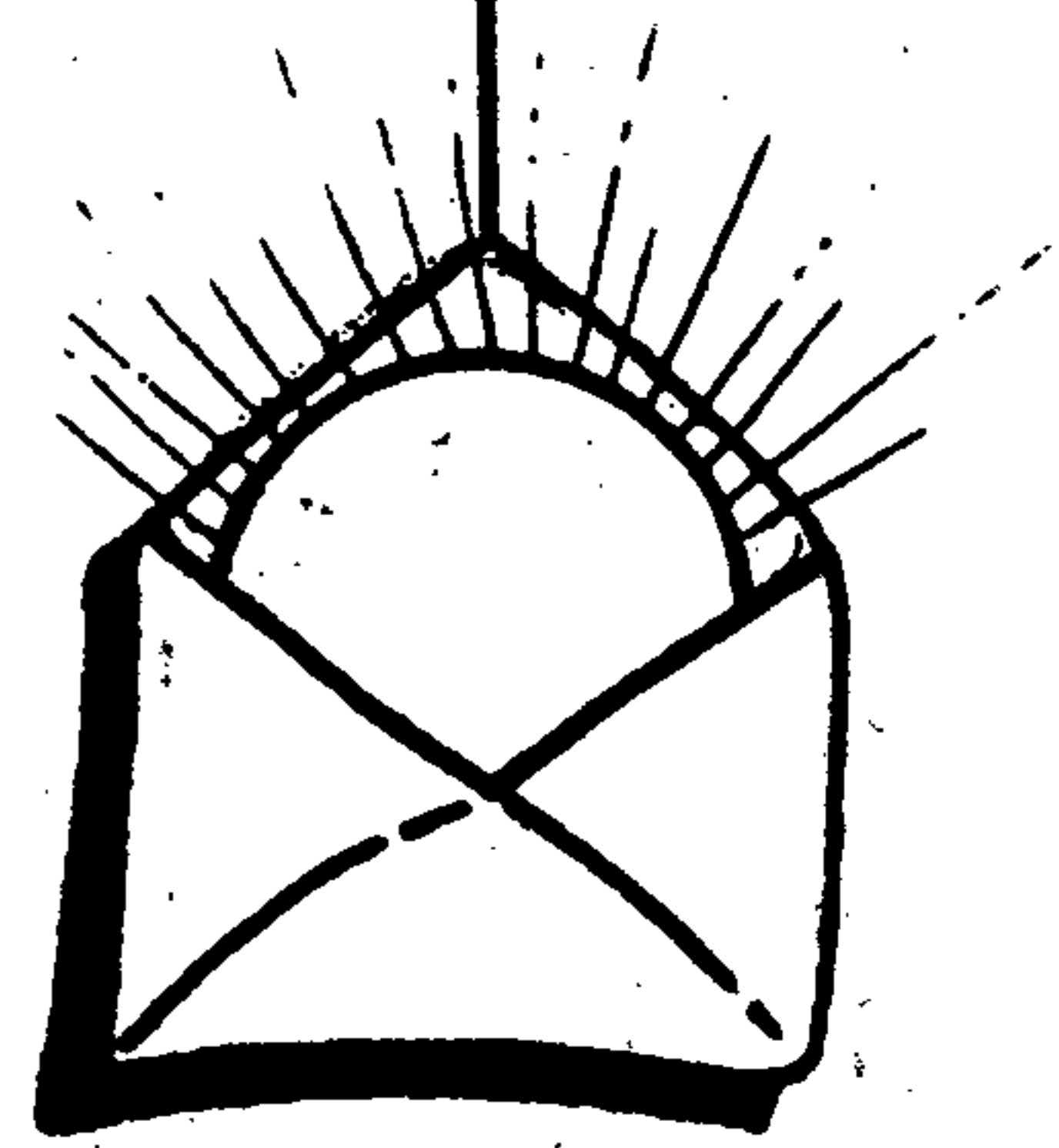
«يُخْرِجُ عَلِيَّ حِينَ غَفَلَةٍ مِنَ النَّاسِ وَأَمَاتَهُ مِنَ الْحَقِّ وَأَظْهَرَ مِنَ الْجَوْرِ، يَفْرَحُ لِخُرُوجِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَسُكَّانِهَا، وَيَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»<sup>۱۳</sup>

«در هنگامه‌ی غفلت مردم، نابودی حق و آشکاری ظلم، امام (علیه السلام) خروج می کند. به سبب این خروج، اهل آسمان و ساکنان آن شادمان می شوند و زمین را از عدل و داد پر کند؛ چنان که از ظلم و جور پر شده باشد.»

در روایت دیگری است:

«يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا» یا «بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»<sup>۱۴</sup>  
«زمین را از عدل و قسط پر کند، چنان که از ظلم و جور پر شده است» یا «بعد از آن که از ظلم و جور پر شده است.»

به نظر من معنی جمله‌ی «پر شدن زمین از ظلم و جور» این است که ظلم و جور چنان زیاد شود که مردم از آن فریاد و فغان بردارند؛ ظلم نقاب تبلیغاتی خود را - که نزد مردم خوب جلوه می کرد - فروافکند و چهره‌ی حقیقی‌اش را آشکار سازد؛ این تشکیلات و نظام‌ها در تحقق رفاه و آسایش و امنیت که به مردم وعده می داده‌اند شکست بخورند؛ پس از این شکست‌های گسترده است که مردم در جستجوی نظام الهی‌ای که آنان را از این ناکامی‌ها برهانند به حرکت در می‌آیند و رهبری ربّانی را می‌جویند که دست‌شان را بگیرد و به سوی خدای تعالی رهنمون‌شان سازد.



انظار

۱۰۶

این شکست‌های پی‌درپی هم‌اکنون در زندگی مردم یکی پس از دیگری رخ نموده است. بزرگ‌ترین آن با سقوط اتحاد جماهیر شوروی تحقق یافته و در سال‌های اخیر آشوب‌های تندی امریکارا به لرزه نشانده است. هر کدام از این ناکامی‌ها مردم را به سوی نظام الهی و رهبر ربّانی نجات بخش سوق می‌دهد.

تا این جا به طور فشرده نظریه‌ی نخست علل تأخیر فرج امام عصر (علیه السلام) را مورد نقد قرار داده‌ایم. هم‌اکنون بحث خود را در باب نظریه‌ی دوم آغاز می‌کنیم.

## نظریه‌ی دوم در علل تأخیر در فرج

این نظریه در فهم علل تأخیر فرج و ظهور امام (علیه السلام) به علل واقعی تکیه کرده است که نخستین آن‌ها، عدم وجود یاوران کافی از جهت کمیّت و کیفیت در میان شیعیان و انصار امام (علیه السلام) است.



بی گمان انقلابی که امام (علیه السلام) رهبری آن را به عهده خواهد داشت، انقلابی جهانی و همگانی است که مستضعفان و محرومان در آن امانت و سرپرستی جامعه بشری را عهده دار خواهند بود:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»<sup>۱۵</sup>

«ما می خواهیم بر آنان که در زمین خوارشان شمرده اند منت نهیم و آنان را پیشوایان مردم گردانیم و ایشان را وارث زمین کنیم.»

و مؤمنان مستضعف در این مرحله، تمام آنچه را که طاغوت ها از قدرت و ثروت در دست دارند، به ارث برند:

«وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛

«و آنان را میراث بران قرار دهیم»

«أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۱۶</sup>؛

«بندگان شایسته ام میراث بران زمین خواهند شد.»

و سلطه بر گستره زمین، نصیب آنان خواهد بود:

«وَنُكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ»<sup>۱۷</sup>؛

«و در زمین، قدرتشان دهیم.»

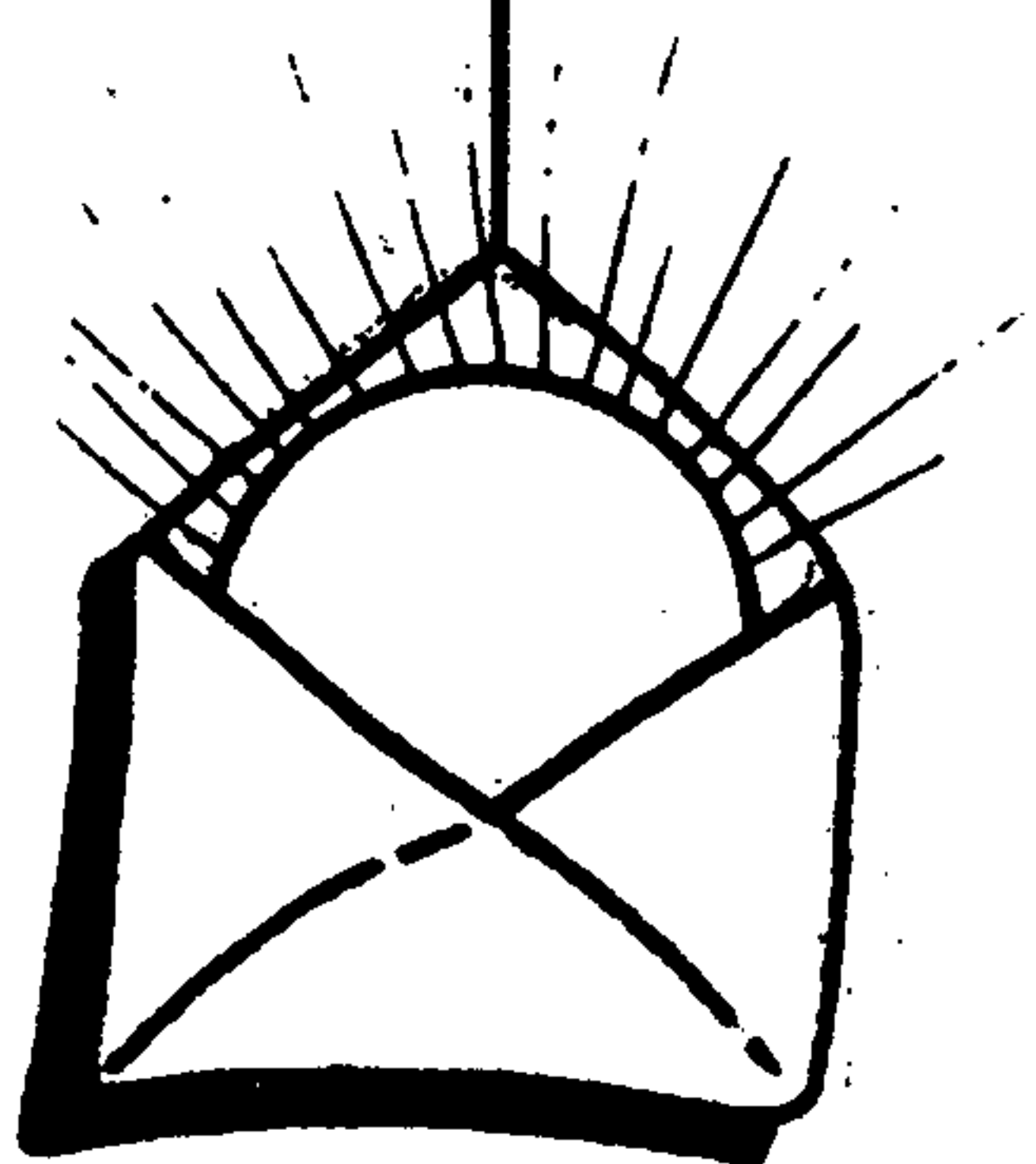
امام (علیه السلام) در این مرحله، تمام زمین را از لوث شرک و ظلم پاک خواهد کرد:

«يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجوراً»؛

«زمین را از عدل و داد پر کند؛ چنان که از ظلم و جور پر شده است.»

تا همان گونه که در برخی روایات، تصریح شده، در شرق و غرب عالم جایی که در آن ندای «لا اله الا الله» طنین انداز نشود، یافت نخواهد شد.

محور این انقلاب فراگیر جز «توحید» و «عدل» نخواهد بود. چنین انقلابی به ناچار زمینه سازی های زیادی را در سطح عالی هم از جهت کمیت و هم از جهت کیفیت [نیروها و امکانات] می طلبد. اگر این آمادگی ها ایجاد نشود، چنین انقلاب فراگیری در سنت های الهی در تاریخ بشری به تحقق نخواهد پیوست.



انتظار

۱۰۷

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱



## نقش سنّت های الهی و امداد غیبی در انقلاب

این انقلاب در رویارویی با متکبران، طاغوت ها، نظام ها و مؤسسات جاهلی حاکم و مسلط بر گردهای مردم، به یقین بدون امداد غیبی و پشتیبانی و تأیید الهی به پیروزی نخواهد رسید. منابع اسلامی وجود چنین امدادی را تأیید و چگونگی آن را توصیف کرده است. جز آن که این امداد الهی یکی از دو طرف قضیه است و طرف دیگر آن نقش سنّت های الهی در تاریخ و جامعه در تحقق این نهضت جهانی، گسترش و کمال بخشی بدان است. این سنّت ها نیز بی هیچ تغییر و تبدیلی جاری خواهند بود:

«سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»<sup>۱۸</sup>؛

«درباره ی کسانی که پیشتر بوده اند [همین] سنّت خدا جاری بوده است؛ و در سنّت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت.»

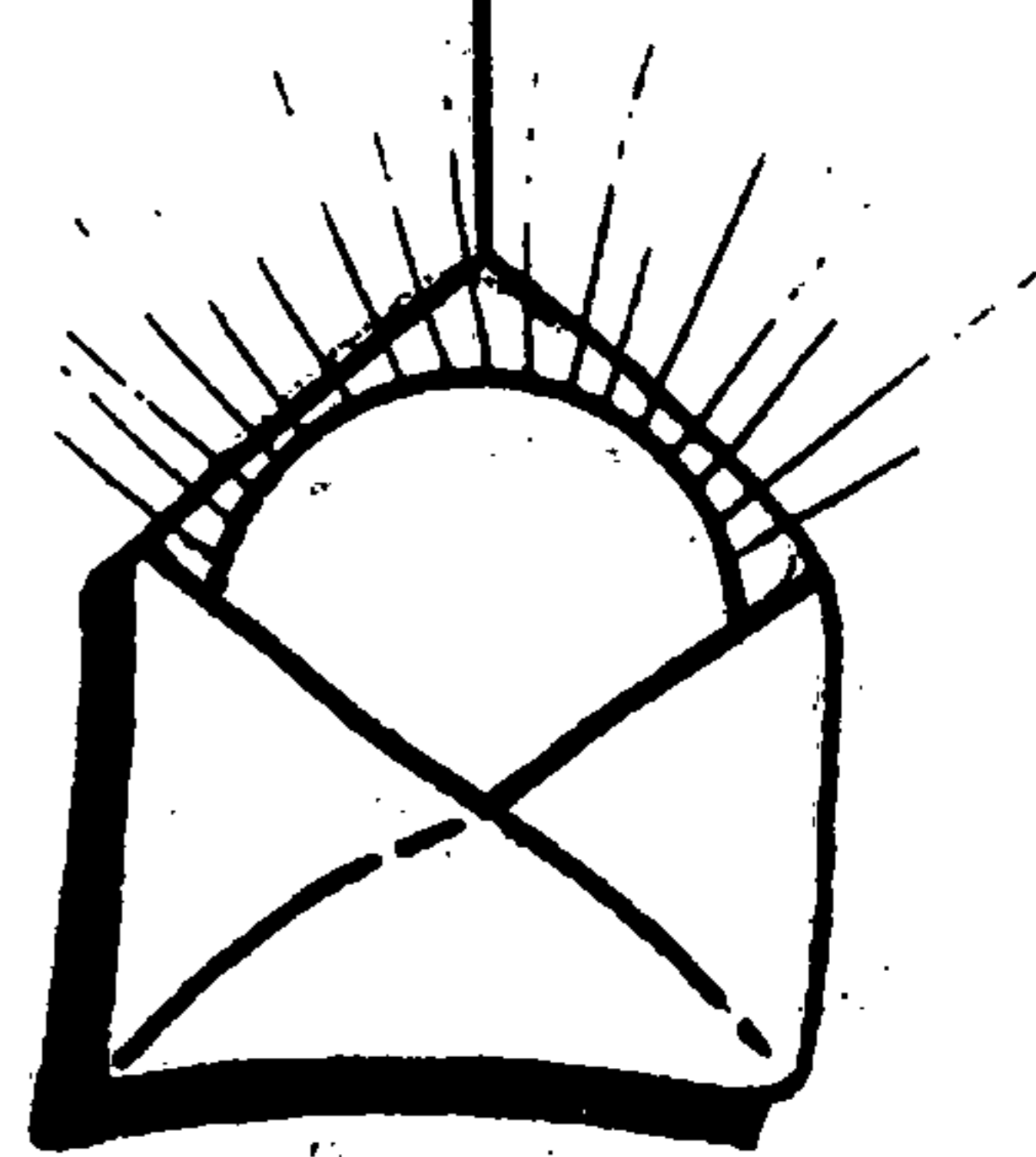
این سنن تعارضی با مدد و تأیید الهی ندارد. شأن این انقلاب، همان شأن دعوت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به توحید و حرکتی است که آن حضرت در تحقق توحید در زندگی مردم داشته است. این حرکت، البته محل امداد غیبی الهی بود که خدای تعالی رسولش را به واسطه ی فرشتگان نشان دار و پیاپی، و با دها و لشکری که قابل رؤیت نبود، و نیز به سبب رُعبی که در دل دشمنانش انداخت، نصرت بخشید. لیکن از طرفی رسولش را نیز به فراهم کردن تجهیزات برای این جنگ سرنوشت ساز فرمان داده است:

«وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...»<sup>۱۹</sup>

«و هر چه در توان دارید در مقابل دشمنان بسیج کنید...»

مراحل این نبرد نیز به موجب سنّت های خدای تعالی در تاریخ و جامعه، تحقق می یافت و در آن، گاه رسول خدا بر دشمنانش پیروز می شد و گاه این پیروزی به دست نمی آمد. [آن حضرت] در این نبردها از نیروهای نظامی، امکانات مالی و سلاح های جنگی بهره می گرفت، نقشه ی جنگ تدارک می دید و دشمن را با وسایل مختلف و شیوه های جدید در زمان و مکان نبرد غافلگیر می کرد و هیچ یک از این امور با امداد غیبی الهی نسبت به رسول خدا - که شکی در آن نیست - منافاتی ندارد، و این دو چهره از مسأله ای واحد است.

انقلاب جهانی که رهبری آن را نواده ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به عهده دارد، از دعوت و نهضتی که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رهبری آن را در گذشته به



انظار

۱۰۸

سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱



دوش داشته، به امر الهی، منحرف نخواهد شد.

از جمله‌ی این سنن ناگزیر در این انقلاب جهانی، «آمادگی» و «زمینه‌سازی» قبل از ظهور امام (علیه السلام) و «یاری» و «یاوران» در هنگام ظهور است، وبدون این آمادگی و زمینه‌سازی ویاری، امکان ندارد انقلابی با این عظمت در تاریخ انسان به ثمر برسد.

مادر آینده - به خواست خدا - به هر دو گروه از روایاتی که اولی به «آمادگی و زمینه‌سازی» ودومی به «یاوران و یاری» اختصاص دارند، با تأمل بیشتری خواهیم پرداخت.

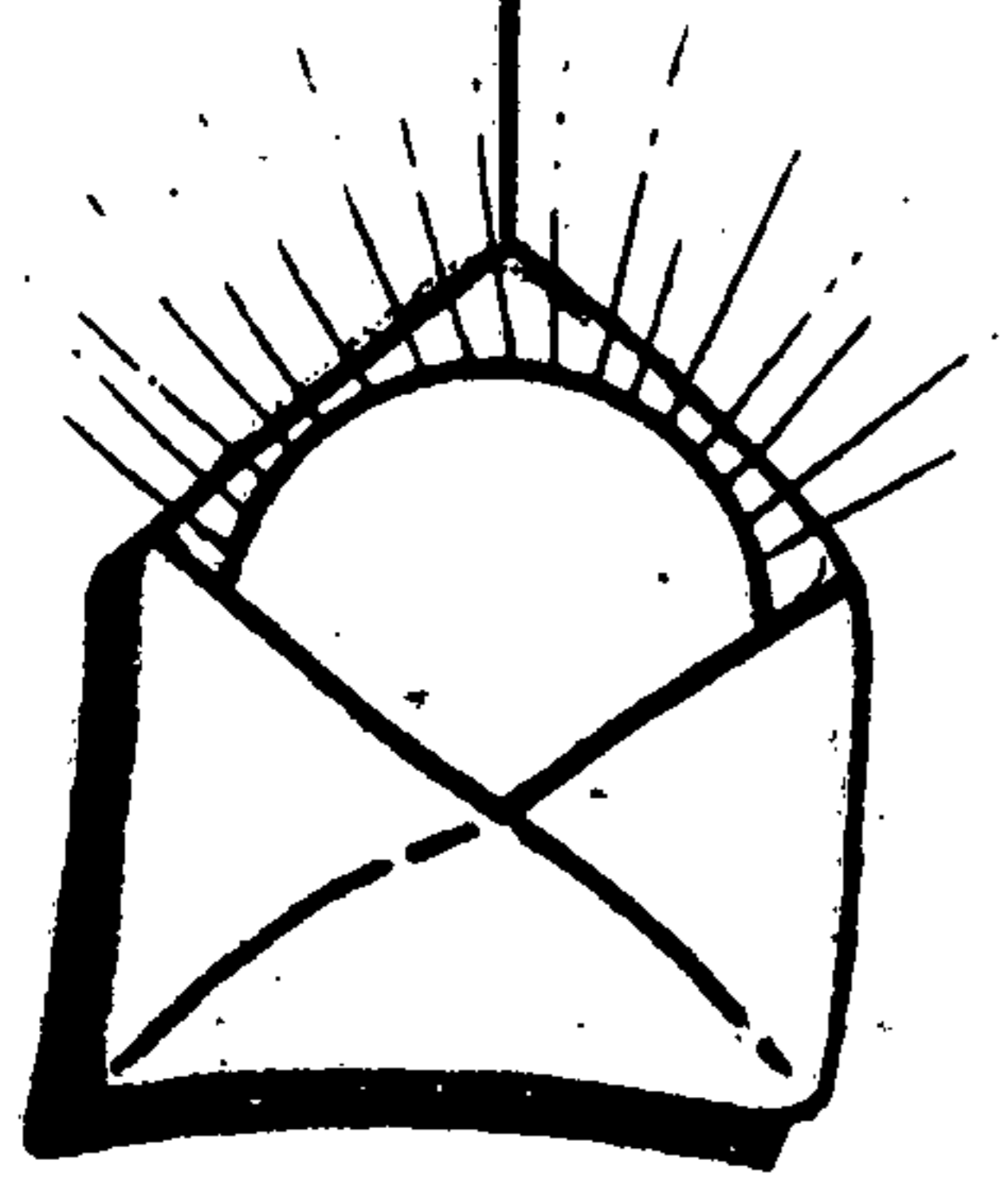
گروه نخست از روایات، روایاتی هستند که به «مَوْطِئَان»<sup>۲۰</sup> تعلق دارد. «زمینه‌سازان»، قشری هستند که جامعه‌ی انسانی و کره‌ی زمین را برای ظهور و انقلاب جهانی همگانی امام عصر (عج) آماده می‌سازند و به طور طبیعی قبل از ظهور امام (علیه السلام) پیدا می‌شوند.

گروه دوم از روایات، به «انصار» اختصاص دارد. انصار [امام (علیه السلام)] قشری هستند که آن حضرت را در قیام بر ضد ظالمان همراهی می‌کنند و امام (علیه السلام) رهبری آنان را در قیام علیه ظالمان بر عهده می‌گیرد. بنابراین، مادر مقابل دو قشر قرار داریم:

۱. قشر «زمینه‌سازان» که زمین را برای ظهور و قیام امام (علیه السلام) مهیا می‌سازند.

۲. قشر «انصار» که امام (علیه السلام) با پشتیبانی آنان بر ضد ظالمان قیام می‌کند.

ادامه دارد



انتظار

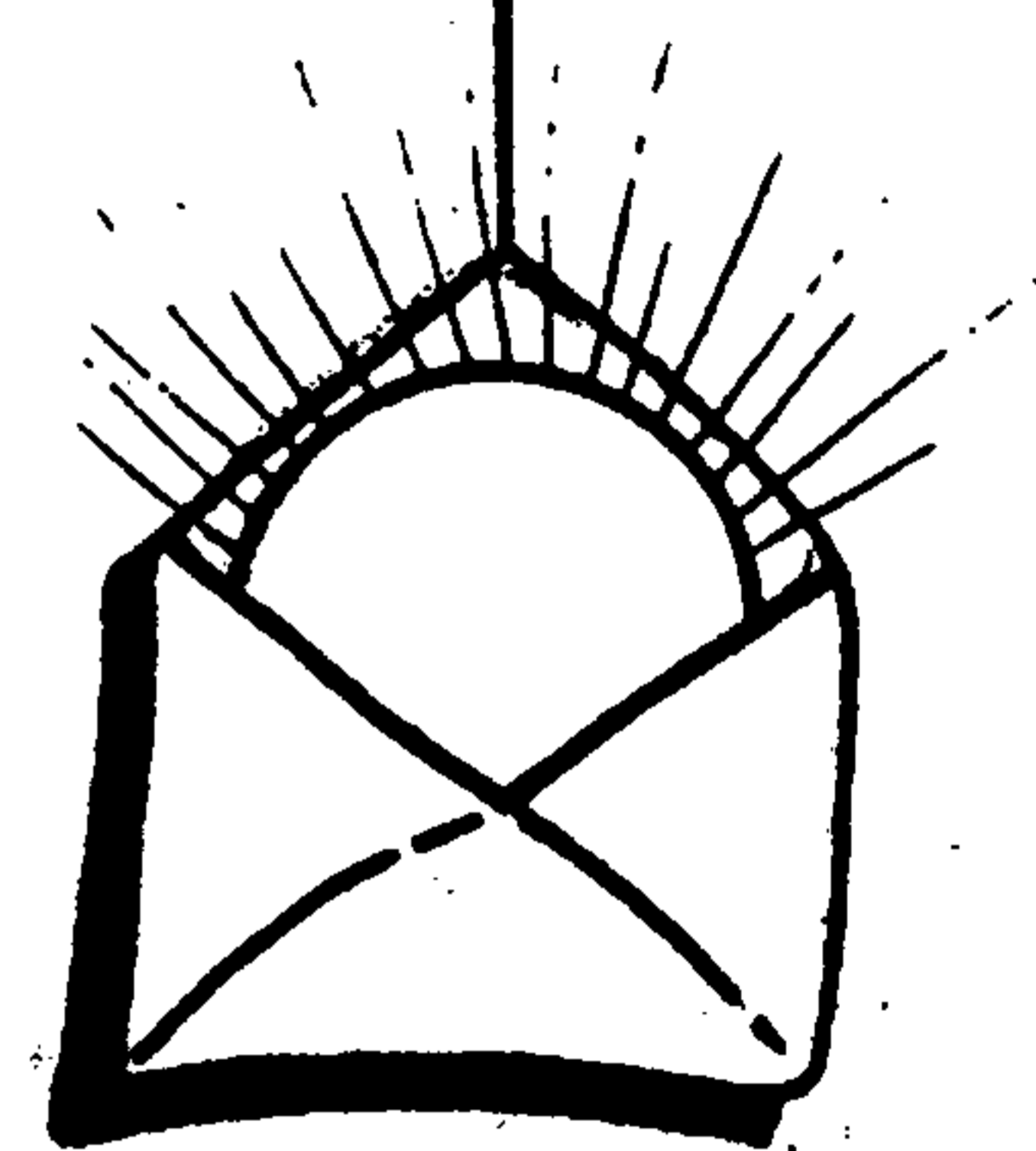
۱۰۹

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱



۱۰. انفجارهای ۱۱ سپتامبر سال جاری (۲۰۰۱م) در برج‌های ۱۱ طبقه‌ی سازمان تجارت جهانی و وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) در نیویورک نمونه‌ی آشکار این زلزله‌های سخت است. (مترجم)
۱۱. «بملاً الارض عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً.»
۱۲. «بَعْدَ أَنْ مَلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا.»
۱۳. بحار الانوار مجلسی، ج ۵۱، ص ۱۲۰.
۱۴. منتخب الاثر، ص ۱۶۲.
۱۵. سوره قصص (۲۸): آیه ۵.
۱۶. سوره انبیاء (۲۱): آیه ۱۰۵.
۱۷. سوره قصص (۲۸): آیه ۶.
۱۸. سوره احزاب (۳۳): آیه ۶۲.
۱۹. سوره انفال (۸): آیه ۶۰.
۲۰. یعنی زمینه‌سازان ظهور حضرت حجت (ع). در این نوشتار پس از این از قشر موطنان تحت عنوان «زمینه‌سازان» یاد خواهیم کرد.

۱. کتاب مقدس: سفر مزامیر داوود، مزبور ۳۷.
۲. سوره‌ی انبیاء (۲۱): آیه ۱۰۵.
۳. عنوان کامل این کتاب «العبر و دیوان المبتدأ والخبر فی ایام العرب والعجم والبربر» است. (مترجم)
۴. مقدمه‌ی ابن خلدون، ص ۳۱۱.
۵. مجله‌ی الجامعة الاسلامیة، شماره ۴۵.
۶. سوره‌ی زحرف (۴۳)، آیه ۶۱: «وی نشانه‌ای برای رستخیز است، پس در آن در گمان میفتید و راه مرا پی گیری کنید که این راهی است راست.»
۷. ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ج ۱، ص ۲۴۰.
۸. مؤلف محترم در اینجا شماره‌ی مسلسل مجله را ذکر نکرده است. (مترجم)
۹. معجم احادیث الامام المهدي، تألیف هیأت علمی مؤسسه‌ی معارف اسلامی زیر نظر شیخ علی کورانی، نشر مؤسسه‌ی معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ.



انتشار

۱۱۰

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱